



۲۰۲۰/۰۲/۱۴



یما ناشر یکمنش

پژواک نام شاه امان الله قسمت اول

شاه امان الله که دلبسته ای فناوری اروپا بود برای دیدن مراحل تولید و خرید موتر به تاریخ ۲۸ فبروری ۱۹۲۸ به مرکز تولید موتر رفت. مدیران شرکت بر علاوه اینکه او را با جریان تولید در قسمت‌های مختلف کارخانه آشنا کردند، در سالن پذیرایی کارخانه برای چیزی کمتر از یک ساعت با او گفت و گو کردند. از همان روز به بعد نام سالن شرکت را به افتخار دیدار کوتاه او گذاشتند Amanullah Saal یا تالار امان‌الله. شاه امان‌الله بیست و دوم فبروری ۱۹۲۸ میلادی وارد شهر برلین شد. بار اول دو هفته را در آلمان گذراند. بار دوم در ماه اپریل برای بازدید غیررسمی به آلمان رفت و حدود سه هفته در آلمان به سر برد. آلمان آن روزگار پس از شکست در جنگ جهانی اول منزوی شده بود. بعد از سال ۱۹۱۸ شاه افغانستان اولین رهبر یک کشور خارجی بود که برای دیدار به آلمان می آمد. حکومت‌های هر دو جانب از این دیدار انتظارات بسیار داشتند. آلمان در کنار آنکه به صادرات خود به این بازار دست نخورده ای آسیایی و خارج شدن از انزوای اندیشید، نمیخواست در رقابت با کشورهای دیگر اروپایی مخصوصا انگلستان و روسیه پس بماند. وقتی مقامات آلمانی از طریق سفارت خود در روم خبر شدند که موسولینی برای شاه افغانستان در ایتالیا موتر ضد گلوله فیات تحفه داده، برلین به ارزش سه برابر تحفه او یک طیاره سه ماشینه ده نفره Junkers G۲۴ به قیمت ۲۸۵ هزار مارک به شاه امان‌الله خان هدیه داد. استقبال از پادشاه افغانستان در جمهوری وایمار به یادماندنی بود و از همان سرحد سوئیس آغاز شد. حکومت آلمان به پیشواز او قطار خاص با یک مهماندار فرستاده بود: داکتر فریدریش روزن (Friedrich Rosen)، سیاستمدار، وزیر خارجه سابق، دیپلمات و مهمتر از همه شرق شناس نام آور آلمانی که



بر زبان های فارسی، ترکی، اردو، انگلیسی و عربی تسلط داشت. داکتر روزن قبلا در سال ۱۹۰۲ در سفر مظفرالدین شاه قاجار میان او و قیصر ویلهلم دوم ترجمانی کرده بود و جدا از آن ترجمه رباعیات خیام به زبان آلمانی از کارهای ماندگار او به شمار می رفت. وکیلی پوپلزایی در کتاب سفرهای غازی امان‌الله در ۱۲ کشور آسیا

و اروپا، داکتر روزن را «ایکسلانس اوزن» نوشته و تأیید کرده که زبان فارسی را به درجه اعلی می دانست.

وقتی شاه به سوی قصر شهزاده آلبرشت Prinz Albrecht Palais، (منبع: Flickr) محلی که برای اقامت او در نظر گرفته شده بود، از نزدیکی دروازه تاریخی برندنبرگ در مرکز برلین می گذشت، گروهی از خواهران و برادران ناراضی کمونیست که در میان بدرقه کنندگان بودند و با سفر شاه مخالفت داشتند، به آواز بلند شعار می دادند: مرگ بر شاه! مرگ بر شاه! شاه که ترکی و فرانسوی می فهمید از داکتر روزن پرسید که چه میگویند. گفته بود، می گویند، خداوند به اعلیحضرت عمر طولانی عطا فرماید! شاه در داخل موتر با مهربانی رو به جانب آنها گشتانده و دستان خود را به علامت تشکر به سوی شان تکان داده بود Sabine Weber, Deutschlandfunk, ۲۶،۱۲،۲۰۰۹.

فریدریش روزن که خود از آشنا نبودن مقامات آلمانی با کشورهای اسلامی شکایتها داشت و روزگاری به تمسخر گفته بود که آلمانیها می توانند کارل مای را پدر سیاست شرقی خود تلقی کنند، حالا باید عملاً نشان می داد که آشنایی با شرق یعنی چه.

باری هم که شاه با وزیر خارجه از زینه های ایستگاه ریل پایین می شد، یک جوان افغان با تقلا بسیار کوشش کرد خود را به او رسانده و بسته ای را به او دهد. شاه بسته را گرفته و به سرعت به دست وزیر خارجه داد و او هم آن را به دست منشی تشریفات تا اینکه یکی از پولیس ها آن بسته مرموز را به دلایل امنیتی فوراً در کانال آب انداخت. پولیس جنایی که بسته را از آب خارج کرد دید آن جوان برای شاه جوان کلچه افغانی پخته بوده است. Der Spiegel, ۰۴،۰۲،۱۹۸۰.

روزی که قرار بود شاه از برلین جانب پاریس حرکت کند، زنی تقاضای باریابی کرد و گفت که دختر جوان او به نام «چارلتی» در سال ۱۹۲۳ با یک جوان افغان در آلمان ازدواج کرده و به افغانستان رفته است. چهار سال بعد شوهرش فوت شده و برادر شوهرش می خواسته او را به عقد خود در آورد. چارلتی مخالفت کرده و هنگامی که با دو پسر خود قصد آمدن به برلین را کرده، ماموران حکومتی گفته اند که باید بدون فرزندانش کابل را ترک کند. چارلتی به خاطر فرزندانش خود در کابل باقی مانده است. زن از شاه تقاضا کرد به دخترش اجازه سفر بدهد. شاه امان الله به والی کابل امر فرستاد که اجازه سفر به او داده شود و همچنین برایش معاش تقاعد تعیین کرد. زن تقاضا کرد که بگذارد آن دو فرزند دخترش، مسلمان بار بیایند که مادر چارلتی و عده ای انجام این کار را داد (گزارش سفر اعلیحضرت امان الله خان به اروپا، ترجمه سید عزیزالله مرموز، ۲۰۰۹ لندن).

دیدار پادشاه کشوری که نامش در فهرست کشورهای مستقل جهان تازه با پینسل نوشته شده بود، در برلین انعکاس بزرگتر از اهمیت کشور خود کرد. اقامت چند هفته ای شاه امان الله در برلین و شهرهای دیگر آلمان به زودی از حافظه آلمانیها و به ویژه برلینیها زدوده نشد. جای پای شاه امان الله را در چندین جا و به یقین که بهتر از این می توان تعقیب کرد:

تالار امان الله

در زمان سفر شاه امان الله به برلین منطقه ای اوبرشونه واید Oberschöneweide از نواحی با اهمیت شهر به شمار میرفت. فابریکه های زیادی آنجا مراکز تولیدی خود را ایجاد کرده بودند. شرکت ملی تولید موتر-NAG Nationale Automobil Gesellschaft در یکی از ساختمان های آنجا مراکز اداری و تولیدی داشت. آن ساختمان را مهندس مشهور آلمانی پیتر بیرن Peter Behren طرح کرده بود. شاه امان الله که دلبسته ای فناوری اروپا بود برای دیدن مراحل تولید و خرید موتر به تاریخ ۲۸ فیبروری به مرکز تولید موتر رفت. مدیران شرکت بر علاوه

اینکه او را با جریان تولید در قسمت های مختلف کارخانه آشنا کردند، در سالن پذیرایی کارخانه برای چیزی کمتر از یک ساعت با او گفت و گو کردند. از همان روز به بعد نام محل ملاقات را Amanullah Saal به تالار امان الله موسوم گردید.



سالن پذیرایی کارخانه شرکت ملی تولید موتر که شاه امان الله در سفر به برلین از آن دیدار کرد و از همان روز به بعد نام سالن شرکت را به افتخار دیدار کوتاه او، تالار امان الله گذاشتند.

این ساختمان چون در قسمت شرقی شهر برلین قرار داشت پس از تقسیم آلمان مربوط آلمان شرق شد. حزب اتحاد سوسیالیستی آلمان هم آن تالار را به نام تالار امان الله یاد می کرد و ملاقات ها و جلسات حزبی در همان سالن برگزار می شد. پس از اتحاد دو آلمان آن ساختمان توسط شرکت سامسونگ Samsung خرید شد. این شرکت کوریای جنوبی هم تغییری در نام سالن نیاورد. شرکت انگلیسی که بعد از سامسونگ آنجا را خرید، سه جنگ افغان و انگلیس را نادیده گرفته تالار را به همان نام قدیمی آن یاد کرد Berliner Morgenpost ۲۰۱۲.۰۵.۲۷. تالار امان الله ۷۸ سال به همین نام یاد شد. سرانجام عمارتی که این تالار در آن قرار داشت، در اواخر سال ۲۰۰۶ میلادی به رغم اعتراض های زیاد مؤرخان، هنرمندان، استادان و مؤسسات مختلف از جانب شاروالی برلین قربانی نوسازی شهر شده و تخریب شد. باید اضافه کرد که این تالار یگانه مکانی نبود که در خارج از افغانستان به نام امان الله یاد شده، بلکه هشت سال پیشتر از این یک گزارش در مورد ساختن مسجد امانیه در منصوری به نشر رسیده بود. منصوری جایی بود که دور دوم مذاکرات صلح افغانستان با انگلستان در آنجا برای سه ماه جریان داشت. مسلمانان آنجا از رییس هیأت افغانستان، محمود طرزی تقاضا کرده بودند که سنگ تهادب مسجد امانیه را بگذارد. طرزی جدا از اینکه خواهش آنها را پذیرفته بود، هفت هزار روپیه هم برای اعمار مسجد کمک کرده بود (امان افغان، ۳ جون ۱۹۲۰).

در ضمن در همان سال ۱۹۲۲ که مکتب امانیه (امروز به نام لیسسه استقلال یاد می شود) به همکاری فرانسه در کابل ساخته شده بود، در شهر راولپندی در پاکستان امروز، یک مدرسه تعلیم قرآن برای دختران نیز به نام مدرسه امانیه مسمی گردیده بود. یکی از نمایندگان انجمن معین الاسلام هنگام پذیرایی هیأت افغانی به ریاست محمودلی خان که از اروپا و امریکا دوباره به کابل برمی گشت، در حضور هزاران بدرقه کننده گفته بود:

"... به نظارت این انجمن دو مکاتب عالییه برای تعلیم قرآن مجید و فرقان حمید تأسیس یافته که طایفه ضعیفه نسوان به زیور علم و عرفان آراسته گردیده اند. اراده داریم که به یادگار مسرت های بی پایان رونق افروزی آن جناب، اسمش را به نام نامی اعلیحضرت غازی پادشاه دیجاه افغانستان منسوب نموده، نامش را به مدرسه امانیه یاد کنیم."

امان افغان، شماره ۴۲، سال دوم، ۲۲ جولای ۱۹۲۲، سرطان ۱۳۰۱

واگون امان‌الله

مقارن سفر شاه، برلین تازه شروع به تولید واگون‌هایی کرده بود که به نام A۲ یاد می‌شد. این واگون‌ها به منظور استفاده در خطوط شهری پایتخت و شهرهای دیگر آلمان ساخته شده بودند. شاه در جریان بازدید از مراکز مهم تکنالوژی آلمان به کارخانه تولید این واگون‌ها رفته بود و همچنان این فرصت را یافته بود که خودش یک فاصله کوتاه رانندگی این واگون را به عهده گیرد Berliner Zeitung ۲۰۰۲.۰۳.۱۴. پس از پخش این خبر مردم اعلیحضرت دوست برلین این نوع واگون را که متروی برلین از آن استفاده می‌کرد، به نام واگون امان‌الله Amanullah Wagen مسمی کردند.

واگون امان‌الله تا پنجم نوامبر ۱۹۸۹ در خطوط مواصلاتی داخل شهر برلین مورد استفاده قرار می‌گرفت و هنوز به نام امان‌الله یاد می‌شد. از آن تاریخ به بعد تولید این نوع واگون‌ها متوقف شد. واگونی را که شاه رانندگی کرده بود در سال ۲۰۰۲ میلادی ترمیم کردند و امروز با همان نام در موزیم خط آهن آلمان نگهداری می‌شود. بر اساس معلومات وبسایت موزیم، این واگون هنوز قابل رانندگی است و فقط به مناسبت‌های خاص استفاده می‌شود.

طیاره امان‌الله

روزی شاه از منطقه چهل ستون می‌گذشته که می‌بیند یک پسر دوازده ساله که احتمالاً از شاگردان مکتب چهل ستون بوده، مشغول ساختن طیاره کاغذی است. وقتی شاه می‌بیند که طیاره کاغذی بسیار به طیاره اصلی مشابه است، پسرک را چندین صد روپیه بخشش می‌دهد (امان‌افغان، شماره ۴۷، سال پنجم، ۲۴ حوت ۱۳۰۳).

شاه امان‌الله دیگر نمی‌خواست به همان طیاره‌های کاغذی بسنده کند. در دیدار از ایالت زکسن آنهالت Sachsen Anhalt بود که پای او به ناحیه ای دیسائو Dessau رسید که شرکت طیاره سازی یونکرس آنجا کارگاه تولید داشت. شرکت یونکرس قبلاً امتیاز انحصار خطوط هوایی ایران امروز و فارس آن روزگار را به دست آورده بود.

در گزارشی که شاه امان‌الله خود از سفر خود نوشته و وکیلی پوپلزایی در کتاب سفرهای غازی امان‌الله شاه آن را چاپ کرده، می‌خوانیم:

" با کمپانی یونکرس هم قرارداد نموده‌ام که خطوط هوایی ما را بسازد... بعد از چندی انشاءالله تعالی پُسته و مسافر داکه و کابل و قندهار و فراه و هرات و سایر ایالات وطن عزیز ما با طیاره حرکت خواهد کرد." هوگو یونکرس Hugo Junkers، مالک شرکت، انجنیر و استاد دانشگاه بود. او در سال ۱۹۱۹ طیاره ای را طراحی کرده بود که به نام خودش Junkers F۱۳ نام گذاری شد و اولین طیاره غیرنظامی در جهان بود که کاملاً از فلز ساخته شده بود. شاه در دوم اپریل از این مدل دو بال خرید که به تاریخ ۱۰ جون ۱۹۲۸ یکجا با طیاره که حکومت آلمان برایش تحفه داده بود به همراهی غلام صدیق خان چرخ‌چی به میدان هوایی شیرپور، ناحیه وزیر اکبرخان فعلی به کابل مواصلت کرد.

وزارت حربیه افغانستان در سال ۱۹۲۴ صاحب چهار طیاره بود که یک قسمت راه را بر پشت یابو تا کابل منتقل شده بودند. به دلیل صدمه ای که در راه به آنها رسیده بود و مهمتر از آن به علت نبودن پیلوت این طیاره‌ها تا آن وقت پرواز نکرده بودند. دو تا از این طیاره‌ها برای اولین بار در ۲۲ اگست ۱۹۲۴، در حالی که بر بال‌های

شان الله اکبر نوشته شده بود، در آسمان کابل به پرواز درآورده شدند که وزرا و مردم به دیدن آنها به چمن نظامی خواجه رواش آمده بودند (امان افغان، شماره ۱۰ و ۹، سال پنجم، ۱۴ سنبله ۱۳۰۳).

پس از سقوط دولت امانی طیاره F۱۳ در میدان هوایی کابل بود. متخصصین آلمانی که برای قوای هوایی افغانستان کار می کردند در سال ۱۹۳۷ میلادی آنرا برای مقاصد آموزشی ترمیم کردند و بسایت (Deutsches Museum) جهانگرد آلمانی هانس هسو فون ولت هایم Hans Hasso von Veltheim که در سال ۱۹۳۸ مقارن بیستمین جشن استقلال مهمان شاه محمود خان وزیر حربیه آن وقت بود، از طیاره F۱۳ در کتاب خود، یادداشت های روزانه آسیا، یاد می کند. او آرزو داشته کوه های هندوکش و منطقه را در جریان یک پرواز بهتر ببیند. شاه محمود خان این خواهش او را بر آورده می کند. در روز پنجم جشن به تاریخ ۳۱ ماه می، برای تقریباً یک ساعت، تحت فرمان جگرن شاه محمد خان با یک طیاره F۱۳ به سوی هندوکش پرواز کرده، از بالای پغمان گذشته و پس از چند دور بالای کابل دوباره بر زمین می نشینند Hans Hasso von Veltheim Ostrau, Tagebücher aus Asien.

پس از چندی از تصادف روزگار یکی از مهندسان سابق شرکت یونکرس، کورت ویل Kurt Weil که در دهه سال های ۱۹۶۰ به حیث استاد پوهنتون به کابل رفته بود، بدنه ای آسیب دیده طیاره را در ۱۹۶۸ در کابل کشف کرد. سال ۱۹۶۹ حکومت افغانستان، پس از آنکه سفیر آلمان در کابل واسطه شد، این طیاره را به دویچس موزیم هدیه داد که در ماه جون همان سال توسط قوای هوایی آلمان به آلمان انتقال داده شد. آخرین F۱۳ در آلمان بر اثر بمباران سال ۱۹۴۴ در موزیم از بین رفته بود. طیاره که شاه امان الله خریده بود از سال ۱۹۸۴ در دویچس موزیم، موزیم علوم طبیعی و تخنیک در شهر مونشن که در نوع خود بزرگترین موزیم در جهان است، به نمایش گذاشته شده بود. قرار است بعد از نوسازی موزیم از سال ۲۰۲۱ دوباره به نمایش گذاشته شود. امروز از این مدل در تمام جهان صرف در مونشن، پاریس و استکهلم وجود دارد.

(Die Odyssee der F۱۳, Deutsches Museum).

ادامه دارد